

بانکهای استقراری بی مرابحه

آقای پروفسور محمد حمیدالله استاد دانشگاه حیدرآباد دکن مردی است فاضل و دانشمند از کلیه علوم معقول و منقول برخوردار است. زاهد است و پرهیزکار و وارسته. علاقهای به آلودگیهای دنیوی ندارد. از علمای میرز و خدمتگزار صادق دین اسلام است. سالی است که وطن خود را بموجب حوادثی که بر ذکر آن مجاز نیستم ترک کرده است و در پاریس بطرزی درویشانه زندگی می کند. خطابه های با ارزش در موضوعهای دینی ایراد کرده است که به آن وسیله حقایق اسلام را به مردم مغرب زمین نمایانده است و در سایه درستکاری بی آلابی دوستان فراوان از مردم چهارکنج روی زمین برای خود پیدا کرده است. انتشارات متعدد در مجلات اسلامی ممالک مختلف دارد. از تألیفات مهمش یکی ترجمه ایست از قرآن بر زبان فرانسوی که بگمان ما بهترین ترجمه های قرآن است به این زبان. یکی دیگر از کارهای مفیدش تدریس مسائل اسلامی است در دانشگاههای ترکیه که بدعوت دولت ترکیه در هر سال چند ماه به آن اشتغال دارد. زمان فارسی را خوب می داند و با فصاحت کامل سخن میگوید. در جمله های او هیچ انحرافی از قواعد صرفی و نحوی (که امروز سخت بان ما را فاسد کرده است) نمیتوان یافت. از جمله مقالات مفید او مقاله ایست که در باره بانکهای استقراری نوشته است که بنا بر خواهش بنده ترجمه فارسی آنرا برای انتشار در ایران لطفاً به بنده داده است و اینک تقدیم بمجله وحید می نمایم.

علی اصغر حریری

شکرفی مسائل اقتصادی در جامعه بشری بر همگان معروف باشد. هر کس - مسلم یا غیر مسلم - این حقیقت را که در آیه پنجم از سوره چهارم قرآن مجید آمده است.

اگر خوب ملاحظه بکنند دریابد که هیچ مبالغه‌ای در آن نبوده باشد: «اموالکم التی جعل الله لکم قیاماً» (یعنی از خواسته‌های شما خدا مایه حیات شمارا ساخته است.) چه شخص از ملاحظه این آیه روشن می‌بیند که بقای نسل و نژاد و مجامع انسانی در آن باشد.

آدمی بر روی زمین در بهشت زندگی نمی‌کند تا آنچه را بخواهد به آن دست بیابد. بل براوست که در این دنیای سفلی بسیار بکوشد تا نانی بکف آرد و بغفلت نخورد و برای ادامه زندگی تلاش بکند و جان بکند. استعدادهای شخصی، اوضاع و وسایل جهان، مایه توفیق گروهی شود و حال آنکه گروهی دیگر به‌محتاج خود محتاج ماند و از اینجاست که استقرار وام ایجاد شده است.

بسیار کم باشند کسانی که از روی فتوت از خواسته خود بخشی کلان به نیازمندان وام دهند. گذشته از این به آزمون رسیده است که آنکه وام گیرد. بسا باشد که در پرداختن آن از قول خود عدول نماید و از این بابت باشد که امر ربح (حتی ربا) و گروگذاری بمیان آمده است.

همه دانند که تاریخ بشر از وقایع ناگوار و نامردمی رباخواران پر است. همچنین می‌دانیم که قرض را با ربح همه دین‌ها ممنوع داشته‌اند. ولی مسادامی که اداره‌ای بمنظور رفع حوائج مادی مردم بدون اخذ سود ایجاد نشود. مالداران علناً یا سرّاً از اوضاع به نفع خود استفاده برند و بازار ربا رواج گیرد.

البته در میان استقراضهای با سود و بی‌سود تفاوتی هست. تفاوتی که تا حدی اغماض کردنی باشد. وام به بازرگانان یا ارباب صنایع، اصولاً باید ایشان را منافی کلان عاید گرداند که تقسیم آن منافع عاید با وام دهندگان از انصاف پرور نباشد. این امر نباید مشتبه شود با حال کسانی تنگدست و بی‌ضاعت و نامشغول یا منتظر کاری بیمار که برای تأمین معاش و ادامه زندگی و معالجه به کومک نیازمند باشند.

این زمان در کشورهای پیش‌رفته وسیله‌هائی از قبیل بیمه‌های اجتماعی وجود دارد. وام‌هائی که از طرف مجامع مذهبی و غیر مذهبی - بشرط استرداد در حال استعداد-

داده میشود. ولی برای وامهای سودآور هنوز سخن از حذف ربح بمیان نیامده است. اگرچه لرد کیس (Lord keynes) پروفیسور دانشگاه کیمبرجج اخیراً تصریحی بدینگونه کرده است: «کلیه سختیهای جامعه را میتوان به کردن مراجه گذاشت. جامعه بشری هر قدر متحدتر باشد، میزان مراجه در آن بهمان قدر پائین تر است به حدی که در جامعه‌ای که تمدن به حد اعلی برسد مقدار به میزان صفر درصد خواهد رسید!»

اما وطن این دانشمندان انگلیسی یعنی انگلستان که یکی از مترقی‌ترین ممالک دنیاست، نه تنها از این کیفیت بسیار بسیار دور است بلکه اقتصادیان مغربزینا گراورا دیوانه نخوانده‌اند لامحاله شورشگر و سرکش خوانده‌اند.

همه میدانند که روسیه شوروی در آغاز انقلاب بولشویک رسم مراجه را در سر تا سر مملکت خود موقوف داشته بود ولی بزودی بقیه را برگشت، همچنانکه ممالک متحدہ آمریکا در امر منع مسکرات کردند. در حقیقت هم آن و هم این برای مصلحت انسانی ضرورت داشت ولی اگر این و آن در تجربه نخستین با شکست روبرو شده‌اند هیچ دلیلی نیست که در بار دوم بشرط اتخاذ طریق دیگری مقصود حاصل نگردد. تاریخ بمای نماید که جز از روسیه شوروی و آمریکا دیگران در این راه توفیق یافته‌اند. مراد مالدولت اسلام است در زمانی که حدود نفوذ آن از اقیانوس آرام تا دریای ادریاتیک بر کلیه نیمکره دنیای قدیم امتداد می‌یافت! بیان این تجربه اهمیت بزرگ دارد علی‌الخصوص در عصری که دوران اهمیت تمدن سرمایه داری بسرآمده است و اینک سخن از جستجوی طریق دیگری و نوتر می‌رود، چه مادیت بطور کلی برای بشریت سعادت بیاریا آورده است.

پیش بینی های قرآن مجید - در سوره دوم (بقره) آیه ۲۷۹ مسطور است

که قرض بشرط ربح جنگ است برضد خدا و پیغمبرش (فان لم تفعلوا فاذنوب حرب من الله ورسوله) [و این متمم آیه، قبل است (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وذرُوا ما بقی من الولدانہ ان کنتم مؤمنین) که حکمی است صریح و روشن بر حرام بودن ربا]. اسلام نه تنها ربا را صریحاً و اکیداً حرام گردانیده است بل چندین طریقہ عملی نیز گرفته است از قبیل اقدام به ایجاد مؤسسه‌هایی ضروری بمنظور اینکه اصول نوینی که می‌آورد در گوشه

نسیان و تعوق نماید آنچه‌آنکه بگواهی تاریخ اصول تمدنهای دیگر را پیش آمده بوده است. مسلماً در آیه ۶۰ از سوره نهم قرآن مجید دایر بر قاعده بودجه دولتی اسلام خداوند متعال در ردیف دهندگان و ستاینندگان عایدات دولتی، «غارمان» را نیز بشمار می‌آورد یعنی آنان که ادای قرضهای سنگین و یا تحمیلات دیگر بر عهده دارند از قبیل پرداخت خونبها و غیر ذلك: «انما الصدقات للفقراء والمساكين والعاملین علیها والمؤلفة قلوبهم وفي الرقاب والغارمین وفي سبیل الله وابن السبیل فریضة من الله والله علیم حکیم.» بنا بر این پرواضح است که قرضداران بر دو گونه باشند. نخست آنانکه سخت فقیر و نادارند و استطاعت مشهود ندارند. دو دیگر آنانکه نیازشان موقت است ولی وسایل گزاردن وام خود را - بشرط مهلت - پس از زمانی خواهند داشت. آیه مذکور غیر از «غارمان» بر عایت حال دو طبقه دیگر نیز اشاره کرده است: فقرا یعنی بیچیزان در میان مسلمانان و مساکین یعنی فقیران غیر مسلمان که در خاک مسلمانان سکنی دارند. آنچه راجع به «غارمان» است. در تواریخ مسطور است که در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه در بیت المال شعبه‌ای باز کرده بودند که به کسانی که گرو لازم می‌سپردند. بدون ربح وام داده می‌شد و در این عمل با خواهندگان وامهای سودآور و غیر سودآور به تساوی معامله می‌شد، شك نیست که حکومتی بیش از هر تجار تخانه خصوصی می‌تواند از اخذ ربح در حق وامهائی که میدهد چشم ببوشد. بویژه این که مالی که بدولت تعلق دارد از آن مردم مملکت است و حکومت تنها موظف بر اینست که مال مردم را بنام ایشان و بفتح ایشان بمصرف برساند.

اگر دولت‌های مسلمان امروزی اجرای آنرا بر عهده نمی‌گیرند و از ادای وظایفیکه برایشان قرآن فرمان داده است غفلت می‌نمایند، برای مردم آن مملکت‌ها وسایلی دیگر وجود دارد که با آن وسایل میتوانند شاهد مقصود را در بر گیرند. از جمله آن وسایل دو وسیله زیرین را شرح می‌دهیم:

اوقاف برای وامهای بی ربح - در هر زمانی مردم دیندار و باتقوی عادت داشته‌اند که قسمتی را از مال خود و یا کلیه آنرا بعنوان خیر برای آسایش مردم محتاج وقف نمایند.

چندین راوی در این باب روایتی بس عجیب ذکر کرده‌اند: بروز کار خلیفه ثانی هنگام فتح شوش مسلمانان در مقبره‌ای معروف به بقعه دانیال پیغمبر گنجی یافتند و در آن مدرکی بدست آمد که بموجب آن گنج مزبور بایستی بدون ربح بمردم محتاج قرض داده شود. خلیفه فرمان داد که آن گنج را به شرط اجرای همان وصیت نامه به بیت المال منتقل نمایند.

دانشمند معاصر مغربی (مراکشی) عبدالحی الکتانی در یکی از تألیفات خود آورده است که بروز کار پیشین در موطن او مردی توانگر مبلغی هنگفت برای قرض بی ربح بمردم محتاج، وقف کرده بود بشرط اینکه برای التزام استرداد آن قرض گروی بگذارند. مؤلف نامبرده گوید که پس از چند نسل در نتیجه بی‌لیاقتی متولیان یا خیانت‌شان سرمایه مسترد نشد و مؤسسه منحل گردید. گذشته از اوقات امکان‌های دیگر نیز وجود دارد: **موتوآلیته (Mutualité)** و **کواپراتیوها Cooperatives**

بانک کواپراتیو و معادله موتوآلیته - متجاوز از صد سال است که این امر در کشور اسلامی حیدرآباد دکن بوجود آمده است. از همان آغاز کار این اقدام مورد توجه واقع شد و بتدریج به تکاملی معنی به منجر گردید.

یکی از بزرگان دینی سید عمر القدیری که چون مریدان بسیار داشت در کافه مردم از نفوذی سترگ برخوردار بود و مریدان او را اعضای اخوت می‌نامیدند. بدین ملاحظه مردم مبالغی صدقه به او می‌سپردند که وی به تشخیص خود به نیازمندان بیخشد. همچنین بنا بر سنتی باستانی هنگام عید کبیر (اضحی) پوست گوسفندان قربانی را اهدا می‌کردند. گروهی انبوه پوستها را و باوجهی را که معادل بهای آنها باشد به سید نامبرده می‌سپردند و نیز زکات پس انداز تجار و کسبه در آنجا گردمی‌آمد. چه مریدان و دوستان سید اطمینان کامل داشتند که بدینوسیله صدقات ایشان بهتر در راه خیر بمصرف خواهد رسید تا بدست خود اهل کرم. آن مردنیکوکار بجای آنکه مستقیماً اموال را بقرا تقسیم بکند مؤسسه ای بانکی تأسیس کرد که بمحتاجان بدون اخذ ربح قرض می‌داد بشرطی که استرداد آنرا با قسطهای ماهانه بسیار نازل بر عهده بگیرند. زیرا که بنا بر عقیده او این

طریقه عزت نفس و امگیران را حفظ می‌کند و با تقلیل گدائی میزان اخلاقی جامعه را بالایی برد.

از این گذشته دوستان مسلمان سید پس اندازهای خود را نیز نزد او به امانت می‌گذاشتند چه بانکهای شهر که در دست مردم غیر مسلمان بود، البته معاملات خود را بشرط مراجه بعمل می‌آوردند و اقتضای تقوی معامله را با چنان مؤسسه‌هایی - بهر- طریق که باشد - مانع بود. پس این رئیس « اخوت » آن مالهای امانت را با اجازه صاحبان آنها برای مدتی محدود به کسانی که احتیاج داشتند قرض می‌داد و به این طریق سرمایه علی‌الدوام در گردش بود.

این مؤسسه هنوز هم دایر است و اکنون مبالغی هنگفت سرمایه دارد که سال بسال عطایای نوین بر مقدار آن می‌افزاید ولی این مؤسسه منحصر به فرد نماند بلکه سر- مشقی شد برای شرکت‌های استقراضی بی‌ریج دیگر که بعداً تأسیس شدند.

پس از جنگ جهانی نخستین دولت حیدرآباد نیز با اهمیت این مسأله متوجه شد و شرکت‌های همکاری و مساعدنه بهمین منظور تأسیس نمود که اینک به بیان چگونگی اداره آنها می‌پردازیم :

کارکنان ادارات ملی یا کارخانه‌ها و غیر ذلک مجتمع می‌شدند و مجامع همکاری تشکیل میدادند. هر یک از اعضا در خور قدرت خود چند سهم از اسهام شرکت می‌خرید و برای پرداخت بهای آن اسهام هر ماه هنگام دریافت مزد خود مبلغی به صندوق می‌سپرد. هر سهمی اصولاً بایستی در عرض صد و بیست ماه کاملاً پرداخته شود. مثال را فرض کنیم که عددها اعضا جمعاً عبارت از ده نفر باشد و هر یکی از ایشان تنها سهم بخرد که بهای آن هزار و بیست روپیه باشد. در ماه اول صد روپیه به صندوق خواهد آورد. بر طبق مقررات هر عضوی حق دارد معادل دو برابر اسهام خود وام بگیرد. (یعنی ۲۴۰۰ روپیه) مسلم است که در آغاز کار وسیله تأمین احتیاجات همه اعضا امکان نداشت. پس شورای منتخب اعضا انجمن می‌کند و برای استرضای خواهندگان تصمیم می‌گیرد. ممکن است درخواست کننده چندین نفر باشند. در این صورت شوری حق امتیاز را بکسی میدهد که

احتیاجش ضروری تر باشد. وام گیرنده ملتزم است که قرض خود را در عرض بیست ماه بپردازد و در مقابل آن تعهدی ادا نکند. علی‌هذا ماه دوم که صدروپیه بصندوق خواهد داد پنج روپیه نیز از بابت ادای قرض خود به آن اضافه خواهد کرد. ماه سیم صدروپیه به اضافه ۱۰ روپیه خواهد داد و از این قرار در آخر سال سرمایه ای که آن ده نفر گذاشته اند به ۱۲۰۰ روپیه بالغ خواهد شد. و در ده سال سرمایه به دو اوزده هزار روپیه خواهد رسید که مدام در گردش خواهد بود و بقسمتی مهم از احتیاجات اعضا کومک خواهد نمود.

برای مخارج اداره شرکت هر فرد از اعضا هر بار مبلغی بسیار اندک می‌پردازد مثلا یک‌صدم روپیه برای هر سهم. غیر از این هر وام‌گیری صدی ۱/۰ بعنوان حق اداره می‌پردازد برای آنکه محاسبات ماهانه الزام کار می‌کند، در بعضی از شرکتها برای اهمال و مسامحه و عدم مراعات مقررات مربوط به استرداد قرض، جریمه هائی تعیین شده بود و این امر بر عایدات شرکت می‌افزود و آن را «ذخیره» برای اتفاقات غیر مترقبه مینامیدند. این مبلغهای کم که در نظر پردازندگان بسیار ناچیز و نا محسوس بود متراکم میشد و پس از زمانی بمقداری معنی به می‌رسید. خرید دفاتر ثبت و غیر ذلک نیز مخارجی در برداشت ولی غالباً کارمندان داوطلبانه و بی‌مزد عهده‌دار کارها می‌شدند چه لزوم رسیدگی باین کارها در هر ماه یک بار بیش به پیش نمی‌آمد. مخارج غیر مترقبه محول بعهدۀ ذخیره در زمینه‌های مختلف بود که از آن جمله بود قرضهای غیر ممکن الوصول. در شرکتهای بزرگ فوق العاده ای که اعضا می‌پردازند هزینه حق العمل صندوق‌دار را تأمین میکند.

مهمتر از همه استرداد مرتب قرضهاست. از آنجائیکه زمینه این شرکتها در اداره ای دولتی یا مدیریت کارخانه ای مهیامی شد. مقام ریاست تجویز می‌کرد که هنگام پرداخت مواجب قهرأ حقوق شرکت تعاونی و مساعده بمقدار مقدر برای ادای بهای اسهام و استرداد قروض و جرایم (در صورتی که مورد داشته باشند) از مزد اعضا کسر شود. حتی صندوق اداره یا کارخانه نیز همچنان حامی دارایی شرکت بود.

ازقراری که در بالا مذکور شد مهلت ادای هر وام به بیست ماه مقرر شده بود ولی این مهلت بیست ماهه عملاً بمعنی دو سال یعنی بیست و چهار ماه بود چه هنگام دو عید

بزرگ (عید فطر و عید اضحی) در عرض سال از درخواست تأدیة قروض اغماض می‌شد .
 از آنجائی که همواره عضویت اعضای جدید و ازدیاد مقدار سهام امکان
 داشت ، بنا بر مثالی داده شد شرکت رو به بهبودی میرفت و احتمال ترقی ارزش سهام نیز
 ممکن بود . در بعضی از شرکت‌ها برای محدود کردن کار ، در صورت استعفای عضوی برای
 استرداد سهم او مهلتی قابل شده بودند .

در سایهٔ ازدیاد سرمایه و ذخیره برخی از شرکتها مغازه و خرید و
 فروشگاههای ایجاد کرده بودند که اجناس را باعضا بنسیسه می‌فروخت و سود مابین
 کارکنان مغازه و صاحبان سهام بنسبت قسمت پرداخته شدهٔ سهام و دارائی ذخیره
 تقسیم می‌شد .

سرمایهٔ نقدی بین‌المللی اگر این اسلوب را بجای کارگران فقیر کارخانه‌ها
 و کارکنان ادارات مالی شامل دولتهای مختلف بکنیم به نتیجه‌ای بسیار مشعشع خواهیم
 رسید که عبارت از ایجاد سرمایهٔ نقدی اسلامی بین‌المللی باشد که در آن چند ریال یا چند
 روپیه خود را به چندین میلیون ها خواهند داد و پرداخت حقوق و محاسبات دولتها بجای
 ماهانه بطرز سالانه صورت خواهد گرفت و به این ترتیب در طی چند سال در سایهٔ این گونه
 مساعده دیگر نه بهر باخواران حاجت خواهد آهاده و نه دست‌گدائی بجانب توانگران دراز
 خواهد شد . چه در حال حاضر همین احتیاج است که استقلال داخلی و خارجی را بسیار
 محدود میسازد .

نتیجه :

تاریخ اسلامی بمائشان می‌دهد که حد کم سه وسیلهٔ عملی برای مبارزه باربا
 وجود دارد :

ملی کردن استقراض - اعطای اوقاف برای قرض بی ربح و ایجاد شرکتهای
 تعاونی در همان منظور . تجربه به ثبوت رسانیده است که این وسیلهٔ آخر عملی تر و مفید
 است و در زمان معاصر بخوبی رفع احتیاجات ما را می‌تواند تأمین نماید اعم از اینکه
 مربوط به اشخاص باشد یا به دولتهای مختلف .